

بودند؛ رسیدگی و اداره خانه‌های آن مجموعه در اختیار ما بود. ایشان ملاحظه زیادی داشتند و درخواست‌های‌شان بسیار ابتدایی بود و ملاحظه ما را می‌کردند. اگر مورد خاصی بود که نیاز به اقدام داشت، تماس می‌گرفتند که چنین موردی است و اگر امکانش وجود دارد دوستان این مسأله را رفع کنند. به طور کلی در تمام مدتی که من آنجا مسئولیت داشتم، کمترین تقاضا برای رسیدگی، مربوط به خانواده شهید فخری‌زاده بود. در همان زمان متوجه شدیم که والدۀ ایشان مرحوم شده‌اند و مراسم ختم‌شان نیز با محدودیت‌هایی برگزار شد و ایشان با محدودیت‌هایی که در تردد داشتند به سختی توانستند به شهرستان که فکر می‌کنم قم بود، بروند. اینگونه نبود که ایشان با آزادی کامل در مراسم مادرشان حضور داشته باشند. با توجه به شرایطی که برای شهید فخری‌زاده حاکم بود اگر ایشان می‌خواست با خانواده به خرید یا جایی بروند، از آزادی عمل برخوردار نبودند چون وقتی نفرت حفاظت همراه‌شان هستند، حریم شخصی آنها مخدوش می‌شود. با ترسیم این مسائل در زندگی ایشان و درک شرایطی که شهید فخری‌زاده در آن قرار داشتند، متوجه صبر و سعه صدر ایشان می‌شوید. بررسی شرایط نشان می‌دهد که ایشان واقعا زندگی نکردند و همه عمر خود را در این مسیر گذاشتند و این شرایط ناخودآگاه به همسر و فرزندان ایشان هم تسری می‌یافت.

#### صبر همسر شهید

صبری همسر ایشان برای پذیرش این شرایط نکته بسیار بارزی بود؛ یاد هست برای برگزاری جلسات مدیران، سفری به مشهد داشتیم و شهید فخری‌زاده هم حضور داشتند. همه همراه خانواده بودیم و اما آنها باید تنهایی رفت و آمد می‌کردند. در محلی که می‌خواستیم غذا بخوریم همه دور میز جمع می‌شدیم اما شهید فخری‌زاده پشت ستونی می‌نشستند که ناگهان من ایشان را صدا کردم و گفتم آقا محسن بیایید کنار ما! وقتی من ایشان را صدا کردم همسرشان از جهت آشنایی که با ما داشتند بسیار خوشحال شدند و به جمع ما پیوستند؛ هر چند تیم حفاظت ناراحت شدند. بیان این مطالب برای درک این شرایط موضوع بسیار مهمی است.

#### نوع نگاه شهید

نگاه شهید فخری‌زاده به مسائل به صورت کلان و ملی بود و اگر می‌خواست به صورت بخشی به موضوعات

نگاه کند چند روز اول باید این کار را کنار می‌گذاشت ولی اعتقاد راسخی به این مسیر داشت و با پایمردی قدم در این راه پرفراز و نشیب گذاشت. به طور کلی در مقاطع مختلف عناوینی به مجموعه فعالیت ایشان شد و ممکن بود امکاناتی در اختیارشان قرار بگیرد اما در خیلی از مواقع این تشکیلات را با کمترین امکانات اداره کردند. بعضا شرایطی پیش می‌آمد که حتی برای پرداخت حقوق ماهانه کارکنان دچار مشکل می‌شدند و حقوق‌ها را به سختی تامین می‌کردند. مجموعه تحت مدیریت ایشان برخلاف دیگر سازمان‌ها که از تولید، درآمد دارند، سال‌های زیادی را با سختی گذراند تا سرپا بماند. خیلی سخت است که یک مدیر نتواند حقوق کارمندان خود را تامین کند، هر کسی باشد این کار را کنار می‌گذارد اما ایشان با آن که شرایط سختی را گذرانده بود و پیش رو داشت اما صبوری کرد. مطمئنا اگر نگاه غیرملی و کوتاه مدت داشت این مسئولیت را در همان سال‌های اول کنار می‌گذاشت. تا این که شهادت، ایشان را از ادامه مسیر بازداشت. خیلی از افرادی که در کنار شهید فخری‌زاده بودند، رفتند و ایشان به تنهایی این راه را ادامه دادند. همان‌طور که ابتدا اشاره کردم مجموعه مأموریت پدافند شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای یک مجموعه به هم پیوسته بود و زمانی که قسمت هسته‌ای از آن جدا شد ایشان همواره این دغدغه را داشتند که این انسجام را دوباره برقرار کنند. بخشی از این ایده با تشکیل سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی (سپند) رخ داد. از آنجا که در این خصوص با شهید فخری‌زاده همفکر بودم، بخش‌هایی از این مأموریت را که در سازمان مانده بود به ایشان پیشنهاد دادم تا در زیرمجموعه خودشان به آن بپردازند. خدا را شکر با هماهنگی و انسجام خوبی که صورت گرفت ایشان هم این مسئولیت را پذیرفتند تا یک مجموعه یکپارچه ایجاد شود.

#### دانشمند متواضع

درباره ارادت ایشان به رهبری هم نیاز به گفتن نیست، پیامی که حضرت آقا بعد از شهادت ایشان دادند، حکایت از علاقه متقابل ایشان به شهید فخری‌زاده دارد. حضرت آقا اشراف کاملی به قابلیت و فعالیت‌های آقای فخری‌زاده داشتند و به همین دلیل در پیامشان به این مسأله تاکید کردند همه فعالیت‌هایی که شهید فخری‌زاده در زمان حیات‌شان دنبال می‌کرد کماکان با قوت بیشتری ادامه یابد. من با نگاه سیاسی شهید فخری‌زاده آشنا هستم، ایشان در زمان حیات امام (ره) نیز ارادت خاصی به بنیانگذار کبیر انقلاب داشتند و بعد از ایشان مرید خاص آقا به عنوان رهبر، مرجع و فرمانده بود و از این سه زاویه پیوستگی و ارادت خاصی نسبت به حضرت آقا داشت و در سخنرانی‌های‌شان به این موضوع تاکید می‌کرد.

این شهید دانشمند آدم افتاده‌حالی بود به این معنی که در حداقل ارتباطی که با ایشان داشتم یک بار پیش نیامد که به شهید فخری‌زاده زنگ بزنم و پاسخگو نباشد و اگر همان زمان نیز امکان جواب دادن را نداشتند بلافاصله پیگیر و پاسخگو بودند. من برای حل مسائل مختلف حتی برای رفع مشکل سرباز وظیفه به ایشان زنگ می‌زد، بلافاصله با روی باز مسیر را هموار می‌کردند و کار سرباز حل می‌شد. درخصوص توجه به کارکنان نیز بسیار مدیر مسئولیت‌پذیری بودند و با تمام محدودیت‌ها و دغدغه‌هایی که داشتند به مسائل این حوزه توجه می‌کردند. طبق روال معمول و مرسوم وقتی که مسئولیتی می‌گیریم ناخودآگاه تهدیداتی متوجه افراد می‌شود و بعضا نیازمند تیم حفاظت هستیم. البته من این مسائل را خیلی قبول



**حضرت آقا اشراف  
کاملی به قابلیت و  
فعالیت‌های آقای  
فخری‌زاده داشتند  
و به همین دلیل در  
پیامشان به این مسأله  
تاکید کردند که همه  
فعالیت‌هایی که شهید  
فخری‌زاده در زمان  
حیات‌شان دنبال می‌کرد  
کماکان با قوت بیشتری  
ادامه یابد**